

خبر

ترامپ در دیدار با عمران خان:

یک هفته‌ای در جنگ افغانستان پیروز می‌شدیم



● دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در دیدار با عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، اعلام کرد که ممکن است کمک یک‌میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلاری آمریکا به این کشور مجدداً پرداخت شود؛ اما شرط دارد و شرط آن هم این است که پاکستان به روند مذاکرات نماینده آمریکا با طالبان کمک کند. به گزارش رویترز، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در دیدار با عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، اظهار امیدواری کرد که این کشور بتواند به‌عنوان میانجی دستیابی به توافق صلح با طالبان برای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را تسهیل کند. او گفت: «من می‌توانستم در مدت یک هفته در این جنگ پیروز شوم، من فقط نمی‌خواهم ۱۰ میلیون نفر را به کشتن بدهم».او همچنین اعلام کرد که علاقه‌مند است در بحران هند و پاکستان پادرمیانی کند. عمران خان هم از این پیشنهاد استقبال کرد؛ اما رایش گومار، سخنگوی وزارت خارجه هند، با انتشار پیامی در توئیتر نوشت: «ما اظهارات دونالد ترامپ در زمینه آمادگی برای میانجیگری بین هند و پاکستان درباره موضوع کشمیر را ملاحظه کرده‌ایم؛ اما تاکنون هیچ درخواستی از سوی نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند، از رئیس‌جمهور آمریکا در این زمینه صورت نگرفته است. موضع همیشگی هند این است که تمام مسائل مهم با پاکستان فقط به صورت دوطرفه مورد بحث قرار گیرد».بنابراین فقط بحران افغانستان به‌عنوان زمینه‌ای برای نقش‌آفرینی رئیس‌جمهوری آمریکا باقی ماند. ترامپ به سال گذشته با انتشار پیام‌هایی در توئیتر پاکستان را به دروغ‌گویی و فریبکاری متهم کرده و گفته بود که پاکستان به یک جای امن برای گروه‌های مسلح طالبان تبدیل شده است.عمران‌خان این اتهامات را بی‌اسخ نگذاشت و اعلام کرد که پاکستان در مبارزه با تروریسم ۷۵ هزار کشته داده و بیش از ۱۲۳ میلیارد دلار هزینه کرده و نقشی هم در وقایع ۱۱ سپتامبر نداشته است.ترامپ در دیدار روز دوشنبه خود با عمران‌خان در کاخ سفید گفت: «تحت رهبری شما در آمریکا اتفاقات خوبی خواهد افتاد و من فکر می‌کنم در پاکستان هم اتفاقات بزرگ خوبی خواهد افتاده. عمران‌خان که هم ظاهرًا از نقشی که آمریکا در مذاکرات صلح با طالبان برای پاکستان در نظر گرفته است، خشنود بود، گفت: «امیدواریم که بتوانیم طالبان را در روزهای آینده متقاعد کنیم گفت‌وگوها با دولت افغانستان را آغاز کنند و در این زمینه به پیشرفت‌هایی هم برای حصول یک توافق سیاسی دست یابند».

از سوی دیگر، وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اظهار کرده است که زلمای خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان، دوشنبه آتی، در مأموریتی که او تا آل‌آگوست ادامه می‌یابد و در چارچوب «تلاش همه‌جانبه برای تسهیل روند صلح برای خاتمه‌دادن به درگیری در افغانستان» است، کشورش را ترک می‌کند.

محبوب ترامپ در خانه شماره ۱۰

مهم‌ترین مسئله این افراد وعده جانسون

است. این مخالفان داخلی جانسون بر این باورند

که او با این کار تلاش می‌کند پارلمان بریتانیا را در دور بزیند. درهمین‌حال، دیوید گانوک، وزیر دادگستری بریتانیا نیز گفت روز چهارشنبه از ستمش کناره‌گیری می‌کند. او گفته به توجه به اینکه از زمان روی‌کارآمدن ترزا می به کابینه آمده، بهتر است که با رفتن می او هم استعفا دهد. به باور بسیاری از تحلیلگران بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی جانسون همان روز ۳۱ اکتبر اتفاق می‌افتد، یعنی روزی که بریتانیا باید از اتحادیه اروپا خارج شود. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که اولین بار دیوید کامرون، نخست‌وزیر سابق این‌کشور آن را به رای گذاشت هم منجر به قربانی شدن خود کامرون شد و هم ترزا می را مجبور به استعفا کرد. ترزا می در چند ماه گذشته تمام هم‌وغم خود را به یافتن راهکاری برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا معطوف کرده بود اما طرح‌های او یکی پس از دیگری از سوی پارلمان این کشور رد شدند و او در نهایت بر آن بود که برگزیت را به تعویق بیندازد. هیچ‌کس فکر نمی‌کند که جانسون بتواند بهتر از ترزا می با اتحادیه اروپا گفت‌وگو کند و توافق‌نامه‌ای موردپسند پارلمان به دست آورد. از آن‌سو تحلیلگران و محققان اقتصادی مستقل بسیاری هشدار داده‌اند که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بدون توافقی فاجعه‌ای اقتصادی خواهد بود.

ادامه از صفحه ۶

فراکسیون مستقلین را تشکیل دادند در هیچ بزنگاهی برای دولت هزینه ندادند. اگرچه دولتی‌ها قبول ندارند و طرف مشورت دولت در مجلس فراکسیون مستقلین است، اما از منظر افکار عمومی سرنوشت فراکسیون امید با این دولت و عملکرد آن کره خورده است و برعکس. حالا در هر جلسه اعضا می‌پرسند که هزینه‌های دولت را تا چه زمانی باید فراکسیون امید بپردازد؟

کا پاسخ این سؤال را چه کسی باید بدهد؟ بیرون از فراکسیون امید شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان وجود دارد که آقای عارف رئیس آن است.

من از منظر یک عضو فراکسیون امید می‌گویم که این تصمیم باید جای دیگری ساخته شود. آنجا کجاست و چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد؟ چه کسی باید به این سؤالات پاسخ دهد که راهنمای عمل ما در فراکسیون امید باشد. بخشی از این بی‌عملی از منظر بیرونی که کاملاً هم درست است به دلیل ابهامی است که در کار ما وجود دارد. سال اول من بانی استیضاح یکی از وزرای شدم که بانی اصلاح‌طلبی بود. بسیاری از بزرگان اصلاح‌طلب در بیرون کار ما را گناهی نابخشودنی و آن وزیر را سقف اصلاح‌طلبی جلوه دادند. اگر جریان اصلاح‌طلب منشور تعامل با دولت دارد باید به ما گفته شود. در شورای شهر و عملکرد شهرداری هم چنین مشکلی وجود دارد. مثالی می‌زنم؛ ما در سال دوم در انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس وارد رقابت نشدیم. بیرون از مجلس دو نگاه وجود داشت. گروهی این را اشتباه دانستند و گفتند که باید هویت فکری خود را در رقابت جلوه می‌دادید. گروه دیگری هم این کار را درست دانستند و رفتار انتلافی را پسندیدند. در سال سوم با لیست ۱۲ نفره وارد رقابت هیئت‌رئیسه شدیم و طرف‌های مقابل هم با یکدیگر ائتلاف کردند. موفقیت حداکثری بود، اما پیش از مشخص شدن نتیجه هیچ‌کس ما را تأیید نکرد. بعد از آن هم سکوتی بر جامعه اصلاح‌طلبی حاکم شد و نگفتند که راه را درست یا حتی غلط رفتیم. در سال چهارم گفتیم که بیرونی‌ها راه درست را بگویند. در فراکسیون نظری مبنی بر رقابت بر ریاست وجود دارد. استدلال آقای عارف هم مبتنی بر تعیین مرزهای هویتی در سال آخر بود. بعد از انتخابات متوجه شدیم که موضع دیگر اقطاب و اضلاع اصلاح‌طلبی برخلاف این است. یک حالت این بود که این تصمیم به فراکسیون محول می‌شد و بعد از آن همه حمایت می‌کردند. من با اینکه مخالف رقابت بر ریاست بودم، تابع تصمیم جمعی فراکسیون شدم و با همه تراز برای ریاست آقای عارف تلاش کردم. اما نکته اینجاست که تکلیف ما به لحاظ شکلی روشن نیست. آیا جزئی از یک پیکره تشکیلاتی و فکری هستیم یا نه؟ اگر هستیم که باید به ما اعتماد شود، نه‌اینکه تخریب شویم. باهمین مقدرات قدرت برای جریان اصلاح‌طلبی هم است. نباید ظرفیت مقدرات خود را انکار کنیم.

کا اما مواضع اخیر برخی از اصلاح‌طلبان و حتی آقای عارف برخلاف آنچه شما پذیرش مقدرات می‌دانید، است. اینکه باید راه اصلاح‌طلبان از نیروهای غیراصیل و انتلافی جدا شود.

این بحث دیگری است. این تصمیم هم باید به تصمیم جریانی تبدیل شود. تصمیم جریانی می‌توانست در سال سوم یا چهارم به ما بگوید این ائتلاف اقتضای سال ۹۲ و ۹۴ بوده، اقتضای سال ۹۸ نیست. شما باید بر اساس اقتضانات جدید عمل کنید و رفتارهای ناب و غیرانتلافی پیشه کنید. همین حالا نسبت ما با دولت با باید با متد ناب‌گرایی؛ یعنی بر اساس هویت اصلاح‌طلبانه باشد یا متد انتلاف‌گرایی سال ۹۲. این موضع آقای عارف قابل تفسری به دولت است یا نه؟

آقای وکیلی، ارهاک‌های شما بیرونی است. اما در همین شرایط است که افکار عمومی نسبت به عملکرد مجلس دهم ناراضی است. مردم و حتی برخی از نمایندگان معتقد هستند که مجلس از اولویت‌های کشور دور است. در این وضعیت اسفندماه انتخابات یازدهمین دوره برگزار می‌شود و به نظر می‌رسد آمدن مردم پای صندوق‌های رای پیش‌بینی‌ناپذیر است.

مردم انتظار داشتند مجلس که برآیند انتخاب آنها است، در همه موضوعات حاکمیتی حرف اول را بزند، اما مجلس حتی در عرصه قانون‌گذاری هم در رأس امور نیست؛ یعنی جایی که طبق قانون اساسی منحصرًا وظیفه مجلس است. شوراهای متعددی وجود دارند که هم‌عرض با مجلس کارکرد قانون‌گذاری دارند. از سوی دیگر، ابزار نظارتی مجلس فقط معطوف به دولت است و وزن دولت نیز در تحولات مشخص است. دولت پاسخ‌گوی چه میزان از مطالبات مردم است؟ من نماینده با مردم عادی در حوزه سیاست خارجی تفاوتی ندارم. بعضا دولت نیز مثل ما نماینده‌ها است. البته نقش مدیریت در وضعیت معیشت مردم و بن‌بست‌های ایجادشده بیشتر از تحریم است. اما پیش از این هم گفتیم که سهم دولت آقای روحانی در پیدایش وضع موجود تعیین‌کننده نیست. اما دولت آقای روحانی در



ناتوانی برای بیرون‌بردن کشور از وضع موجود سهم تعیین‌کننده‌ای دارد؛ این وضع محصول هر رویکرد و عقیده‌ای باشد دولت باید کشور را نجات دهد. بنابراین آنچه را اتفاق افتاده، نباید به پای دولت نوشت. نکته دیگر این است که نباید این دولت را مساوی با جریان اصلاح‌طلبی دانست. این دولت برآمده از جریان اصلاح‌طلبی است، اما در چنین مدیریتتی و رویکرد و منش‌ها هیچ نشانه‌ای از اصلاح‌طلبی ندارد. اما مردم حق دارند بگویند که نمایندگان باید ناظر بر کل امور باشند. نظارت مجلس طبق قانون اساسی عام است. همه بخش‌های حاکمیت باید تحت نظارت مجلس باشند. ساختار مجلس هم در این دوره خنثی‌سازی است. چون سه‌فراکسیونی است و از هویت افتاده است. درحالی‌که باید دوفراکسیون بود تا هویت مشخصی داشت. معلوم نیست تصمیمات مجلس چه رنگی دارد. اما فراکسیون سومی تشکیل شده که دولت در به‌وجودآمدن آن نقش زیادی داشته است. اما به‌رحال تلاش شده که در ظرف مقدرات فراکسیونی صدنفره تأثیرگذار باشیم.

کا با همین توصیفی که از مجلس داشتید، کمی به انتخابات نزدیک‌تر شویم. مجلس در سیاست‌خارجی نقشی ندارد. نهادهای موازی با مجلس در عرصه قانون‌گذاری شکل گرفته‌اند مثل هیئت نظارت مجمع تشخیص و در مجموع مجلس از حیز انتفاع ساقط شده است. مردم را چطور باید بار دیگر پای صندوق‌های رای بیاورند؟

من معتقدم اگر روزی قرار باشد در قانون اساسی اصلاحی رخ دهد، مجمع تشخیص و شورای نگهبان باید تبدیل به مجلس سنا شوند و مجلس کنونی به مجلس عوام تبدیل شود. شورای اسران قوا تصمیمات مهمی می‌گیرد که ماهیت قانون‌گذاری دارد. شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی هم همین‌طور هستند. در حوزه نظارتی هم هیئت نظارت بر سیاست‌های کلی نظام در مجمع نیز هم‌عرض

با مجلس نظارتی از نوع استصوابی ایجاد کرده است. حتی فراتر از شورای نگهبان است و قبل از اینکه مجلس اقدام به قانون‌گذاری کند ورود و اعلام موضع می‌کند. بعد از قانون‌گذاری هم این کار را انجام می‌دهد، اما با این همه مردم هرگز از قهر نتیجه نگرفتند. این مجلس می‌توانست مجلسی کاملاً اصلاح‌زاد باشد بر اساس اقتضانات جدید اشکالی که گفتیم به آن وارد است. اما به دلیل حضور صد نماینده اصلاح‌طلب صدای غالب تهدید، ناسزا و جنگ‌طلبی نباشد. درحالی‌که در مجلس گذشته چنین بود. در این مجلس هرگز دیپلمات‌ها تهدید به دف‌کردن زیر سیمان نکردند، اما در مجلس قبل چنین بود. بدافلاقی‌های موجود به نام نمایندگان در این مجلس دیده نشد. در این مجلس دفاع حقوق مردم صدای غالبی است که پژواک پیدا می‌کند. انتقاد به ساختارهای هم‌عرض صدای غالب است؛ بنابراین نتیجه قهر مردم مجلس هفتم است. اگر مردم فکر می‌کنند که مجلس هفتم در شان آنها بود، می‌توانند قهر کنند. اما اگر فکر می‌کنند با وجود گلایه‌ها و کارکردهای حداقلی مجلس، مجلسی است که به حقوق ملت نزدیک‌تر است، پای صندوق بایند. انتخابات به جنگ یکدیگر آمده است؛ یکی جریان اصولگرایی است که تمام امید و تمرکز تحلیلیش بر بنیامین مردم است، یعنی جریانی که پایله‌اش بر عدم مشارکت مردم است. اما جریان دیگر بودن و پیروزی‌اش را در گردو مشارکت مردم می‌داند. مردم باید بدانند که اگر جریان پیروز بر سرنوشت آنها اعتقادی به آمدن مردم ندارد، جریانی ضدمردمی است. مردم با نیامدن خود به جریان ضدمردمی فرصت می‌دهند.

کا حاصل این دیدگاه و رویکرد، انتخابات ۹۲ و ۹۴ و ۹۶ است. در دوره‌های گذشته اصلاح‌طلبان برگرده اسب رقیب‌هراسی سوار شدند و مردم را از رقیب ترسانند که ترس بجا و درستی هم بود، اما به عقیده بسیاری، این سیاست در شرایط کنونی ناکارآمد است. فکر

سیاست جهان

بمباران یأس کردند



می‌کنید در انتخابات پیش‌رو چه سیاستی باید در پیش گرفته شود که جامعه نه از ترس رقیب بلکه علاقه به برنامه‌های اصلاح‌طلبان پای صندوق بایند.

مردم از باب اینکه مطلوبشان برآورده نشده، حق دارند؛ اما چنین نبوده که این دولت و مجلس تأثیری در خواست مردم نداشته باشد. حداقل این دولت شبیه دولت پیشین خسارت‌آفرین نبود. مشخص شود در حوزه اقتصاد و آزادی‌های اجتماعی، منشور اصلاح‌طلبان چیست. اکنون مردم با دو نگاه در ساحت آزادی‌های اجتماعی مواجه هستند؛ یک نگاه می‌گوید واجبات را با هر هزینه‌ای می‌توان انجام داد، درحالی‌که نگاه دیگر می‌گوید برای انجام یک واجب، نباید ۱۰ حرام تأثیرگذار باشیم.

کا نگاهی که شما منتقد آن هستید، همین حالا نیز اتفاق می‌افتد.

بله، اما تبدیل به یک حرکت عمومی نمی‌شود و حداقل ما به‌عنوان نمایندگان اصلاح‌طلب، دراین‌باره از وزیر دادگستری سؤال می‌پرسیم. عقل واقع‌گرا می‌گوید اگر کل را ندارید، جزء را داشته باشید. صدای آزادی‌خواهی در مجلس وجود دارد و خاموش‌کردن آن به بهانه اینکه حداکثری نیست، خلاف حکمت است. مردم نیز به نظر من متوجه این موضوع هستند. بودن اقلیت تأثیرگذار بهتر از وجود اکثریتی غیرمردمی است.

کا فکر می‌کنید مردم با این دیدگاه بازمه پای صندوق می‌آیند؟ اگر تحلیلگران سیاسی، تحلیل درستی از وضعیت ارائه دهند، می‌آیند. تغییرطلبی جامعه در شرایط کنونی به نقطه جوش نرسیده است. در سال‌های ۷۶ و ۸۴ این تغییرطلبی به نقطه جوش رسید؛ بنابراین شاهد

شفیت پارادایمی بودیم. چرایی اینکه اعتراض‌ها و ناراضیاتی‌ها نسبت به آن سال‌ها گسترده است، و دلایلش آن است که مردم ناامید از تغییر هستند که خیلی خطرناک است. دلیل دیگر این است که مردم هر دو ظرفیت جمهوری اسلامی را امتحان کرده‌اند؛ هم اصلاح‌طلبی و هم اصولگرایی را و می‌دانند جریان سومی نیز وجود ندارد؛ به‌این‌ترتیب بازمه بی‌تفاوتی به وجود می‌آید. درنتیجه وقتی مطالبه تغییر به نقطه جوش نرسیده، این خطرناک است؛ چراکه وقتی این اتفاق بیفتد، سلباً و اثباتاً مطالبه مردم مشخص است و وقتی چنین نیست، ابهامات زیادی در آن است. ابهام‌ها آن‌قدر زیاد است که جریان غیرمردمی، با مشارکت‌کردن مردم مست ی پیروزی می‌شود. جریان مردمی نیز فکر می‌کند در این فضای پرابهام، مردم حتما شرکت خواهند کرد.

کا نباید برای این آمدن برنامه‌ای داشت؟

من فکر می‌کنم جریان اصلاح‌طلبی می‌تواند با تعریف جدید درباره نسبتش با دولت، پیام روشنی به مردم بدهد. دوم اینکه با منشور شفافتری عرصه‌های داخلی و خارجی، حرف روشنی بزند. لازمه این اتفاق، آن است که عقل منصل که بسیار باریک و محدود شده، به‌جای این نظرات متشتت و متفاوت به جمع‌بندی برسد. اگر با این ابهام‌ها ادامه دهیم، به مشکلات حادی بر خواهیم خورد؛ هرچند باور دارم ظرفیتی در جریان اصلاح‌طلبی وجود دارد که می‌تواند تکلیف ابهام‌های پیش‌رو را روشن کند و از آنها بکاهد. حرف روشنی جز تردیدافکنی با مردم نداریم. جریان اصولگرا نیز حرف نجات‌بخشی برای شرایط فعلی با مردم ندارد و تنها امید آنها نیامدن مردم است. جریان اصلاح‌طلبی می‌تواند با پاسخ به ابهام‌ها، حرف روشنی به مردم بزند. حداقل می‌توان به مردم گفت سهم اصلاح‌طلبان در حکومت در پیدایش وضع کنونی چقدر است و از آنها عذرخواهی کرد. گام اول، شفافیت و اعتراف به میزان تقصیر و پوزش از مردم است.

کا آقای وکیلی، یکی از مطالبات عمومی این‌روزها مبارزه با فساد است. اگر نگوییم

نه‌اینده‌بودن فساد، شما به گستردگی آن در کشور اعتقاد دارید؟

بله، بسیار.

کا مجلس برای مبارزه با این فساد چه راهکاری داشته است؟

درحال‌حاضر در مجلس گرایشی در این زمینه وجود دارد که تجلی آن در طرح اعاده اموال نامشروع مسئولان است. این طرح دو نسخه داشت که یکی برای اعضای امید بود و دیگری همین است که جریان اصولگرا به صحن آوردند. این نسخه می‌خواهد با امنیتی‌کردن فضا و به ازای هر نفر یک پلیس، با فساد مبارزه کند. نقد ما بر این نسخه آن است که مشابه این نگاه را داشته‌ایم. قوه قضائیه ملزم است اموال مسئولان پیش و پس از مسئولیت را بررسی کند. اگر مالی نامشروع کسب شده باشد، وظیفه قوه پس‌گرفتن آن است؛ اما چرا این محقق نمی‌شود؟ چون فکر می‌کنیم با ساختارهای حداکثری نظارتی می‌توان جلوی فساد را گرفت. درحالی‌که خود فسادزا می‌شوند. بزرگ‌ترین فساد هم فسادِی است که از دستگاه‌های نظارتی بیرون بیاید. شفافیت روی دیگر سکه پاسخ‌گویی است، نمی‌شود شما اعتقاد داشته باشید بخشی از قدرت غیرپاسخ‌گو باشد، از سوی دیگر مطالبه شفافیت داشته باشید. هرچه ساختارها پاسخ‌گو باشند، به‌طور مبنایی شفافیت را پذیرفته‌اند؛ بنابراین اگر کسی به عدم پاسخ‌گویی معتقد باشد و شعار شفافیت بدهد، فقط شواف می‌کند. اگر کسی به شفافیت اعتقاد داشته باشد، باید لوازم آن را نیز بپذیرد. شفافیت بدون گردش آراء اطلاعات، شعار است.

کا اما طراحان طرح اعاده اموال مسئولان به هیچ‌کدام از مواردی که شما گفتید، قائل نیستند. فکر می‌کنید طرح اعاده اموال نامشروع به نتیجه‌ای می‌رسد؟

به طور مثال دولت الکترونیک می‌تواند ۸۰ درصد فساد موجود را برطرف کند. فساد ناشی از فرار مالیاتی محصول غیرشبکه‌ای‌شدن نظام تجارتی ما است. هرچا انسان حلقه واصل برای مبارزه با فساد باشد، فسادآور است. ما باید به نظامی تن دهیم که انسان را از مدار خارج کند. باید صندوق‌های مکاتیزه باید بر کل گردش مالی شما حاکم باشد و در نهایت جایی شبکه شود و قابل رؤیت باشد. از وقت دست‌نکاره مربوطه تراز گردش مالی شما را ارزیابی کند. حالا در این شرایط می‌گویند می‌سای‌فتی نباید تصویب شود. بخشی از این کنواسیون مبادلات خارجی است و بخش مهم آن شفاف‌شدن هر نوع تراکنش مالی است. آیا می‌توان از شفافیت صحبت کرد؛ ولی مخالف سرسخت افای‌تی‌اف بود؟ شما مخالف افای‌تی‌اف که گردش‌های مشکین مالی را شفاف می‌کند، هستید؛ اما از طرفی می‌گویید این حقوق چندمیلیونی را از کجا آورده‌ای؟ این امر، مستحب را جایگزین واجب کردن است. اصلاح باید سیستمی باشد. مردم باید به تمام تصمیمات و امتیازها دسترسی یکسان داشته باشند و همه تراکنش‌ها شفاف باشد. این یعنی دولت الکترونیک؛ اما از سوی دیگر همه باید به یک دولت تمکین کنیم و یک دولت رسمی و دولت غیررسمی وجود نداشته باشد. مرجع دسترسی یک دولت باشد. اگر به همه این موارد تمکین کنیم، شفافیت اتفاق می‌افتد. همه شعارهای انحرافی‌ای که می‌دهیم، به این خاطر است که تن به اصل موضوع ندیم. گاهی برخی از اصلاح‌طلب‌ها هم در این دام گرفتار می‌شوند. قطعاً حذف نظام‌های رانت‌زا مقدمه شفافیت است. اگر عدالت در مصونیت نباشد، بزرگ‌ترین رانت مصونیت است. توجه کنید که در حوزه نمایندگی برخی مجاز هستند هرچه می‌خواهند، بگویند؛ اما بعضی دیگر برای هر حرفی باید به ده‌ها نهاد پاسخ‌گو باشند. من در هشتادمین روز کار مجلس به اتفاق اعضای هیئت‌رئیسه خدمت آیت‌الله جنتی رفتم. آنجا گفتیم از این‌۸۰ روز بودن در مجلس هیچ لذتی نبردیم. آیت‌الله جنتی پرسیدند چرا؟ گفتیم گفتمان حاکم بر راهروهای این مجلس نه خداباوری است نه مردم‌سالاری؛ بلکه شورای نگهبان‌ترس می‌است. مجلسی که آزاده باشد و مصونیت واقعی داشته باشد و از پس وظایف نظارتی برآید، حتما باج‌خواه نخواهد بود. نکته دوم این است که نظام انتخابات کشور معیوب است؛ به‌همین‌دلیل استانی‌شدن انتخابات را در مجلس ارائه کردیم. در شهرستان‌های کوچک با کدایی رای مواجه هستیم که فسادآور است.

کا شما به‌عنوان نماینده فراکسیون امید با آقای کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، در اینکه قانون انتخابات پاسخ‌گو نیست، وجه اشتراک دارید؛ اما وجه افتراق زیادی هم دارید. شاید به‌همین‌دلیل هم طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس با ایرادهای شورای نگهبان به مجلس برگشت و حالا هم از دستور کار خارج شده است. مشکل ما این است که مجلس محلی است و انتخابات باید به ملی‌گزینی منجر شود. عیب بزرگ قانون‌گذاری ما همین ملی‌نبودن است. شاهد هم این است که وقتی نماینده‌ها به حوزه انتخابیه می‌روند، ذائقه‌شان در قانون‌گذاری محلی است. در سباز یک محله قانون‌گذاری می‌کنند. به‌همین‌دلیل تعمیم‌دادنی نیست و مجبور به تنقیح قوانین هستیم. گاهی می‌خواهند با آیین‌نامه مشکلات قانون را برطرف کنند و هزار مسئله دیگر که به وجود آمده است، مجلس ما غیرملی است و برآیند قوانین آن هم غیرملی است.

روزنه

شلیک ۳۶۰ تیره‌شدار به جنگنده تجسی روس

نبرد در فراز آسمان

● سال‌هاست که کره جنوبی و همسایه جنوب‌شرقی‌اش، ژاپن بر سر مالکیت جزیره «دوکدو» تاکشیمیا» با یکدیگر اختلاف دارند. اما این‌بار ورود جنگنده‌های روس به حریم هوایی این جزیره باعث شد بار دیگر نام دوکدو- تاکشیمیا در رأس اخبار رسانه‌های جهان قرار بگیرد.به گفته مقامات دولت سنول، صبح روز سه‌شنبه سه هواپیمای نظامی روسیه و دو هواپیمای نظامی چین وارد منطقه شناسایی پادفند هوایی کره (KADIZ) شده‌اند و جنگنده‌های این کشور روسیه شلیک کرده‌اند؛ ادعایی که از سوی مقامات روس بلافاصله تکذیب شده است. مسکو می‌گوید که دو بمبافکن این کشور در حال تمرین نظامی روی «آب‌های بی‌طرف» بوده‌اند و هیچ‌گونه تیر ه‌شداری به سوی آنان شلیک نشده است.هرچند که این اتفاق نخستین رویارویی از این نوع بین روسیه و کره‌جنوبی است، اما مالکیت این جزایر ۲۳۰ هزار مترمربعی، سال‌هاست که مورد مناقشه بین سنول و توکیوست. این منطقه با نام «دوکدو» به معنی «بامبو» در ژاپن شناخته می‌شود. کره‌جنوبی و ژاپن هر دو ادعای مالکیت این جزایر را دارند. اما کره جنوبی از سال ۱۹۵۴ این منطقه را در اشغال خود دارد. مقامات سنول بارها اعلام کرده‌اند که این جزایر طبق تاریخ، موقعیت جغرافیایی و قوانین بین‌المللی متعلق به این کشور هستند و به همین بهانه در سال ۲۰۱۳ حریم هوایی خود را در جنوب این کشور گسترش دادند. این در حالی است که طبق گزارش‌ها، بمب‌افکن‌ها و هواپیماهای تجسسی روسیه در سال‌های اخیر بارها وارد منطقه مورد اشاره کره‌جنوبی شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، بیستم ژوئن نیز در حادثه‌ای مشابه دو هواپیمای نظامی روسیه به مدت ۲۹ دقیقه در منطقه شناسایی دفاع هوایی کره جنوبی پیروز کردند، اما این‌بار واکنش جدایی اف-۳۵ این کشور بسیار متفاوت بوده است. به‌گفته مقامات کره جنوبی، این هواپیماها شامل دو بمب‌افکن تی-۹۵، یک هواپیمای تجسسی ای-۵۰ روسیه و همین‌طور دو بمب‌افکن اج-۱۶ چین بوده‌اند که بلافاصله بعد از ورود به حریم هوایی سنول، جنگنده‌های این کشور به‌سرعت پرواز کرده و درمجموع ۳۶۰ تیر ه‌شدار شلیک کرده‌اند.طبق قوانین موجود، هواپیماهای خارجی باید هنگام ورود به منطقه شناسایی پادفند هوایی کره، ورود خود را اطلاع دهند. به گفته کره جنوبی، هواپیمای روسیه از حریم هوایی خارج شده، اما دوباره برگشته که در این مرحله ۱۰ منور دیگر در ۲۸۰۰ تیر ه‌شدار شلیک شده است. اما روسیه در بیانیه خود تنها به دو بمب‌افکن این کشور اشاره کرده و به طور مشخص درباره هواپیمای تجسسی مورد ادعای کره جنوبی حرفی نزنه است. به گفته دولت روسیه، خلبانان جنگنده‌های کره جنوبی، اف-۱۶، بدون اینکه تماس تلفنی با خلبانان هواپیماهای روسی برقرار کنند به سمت آنها تیر آخطار شلیک کرده‌اند که این رویداد بدون پاسخ نخواهد ماند.

وزیر مشاور امارات در امور خارجه:

یمن را ترک نمی‌کنیم

● امارات، هم‌پیمان اصلی در ائتلاف عربی اعلام کرد در بحبوحه عملیات استقرار مجدد نیروهایش در یمن، قصد خروج از این کشور را ندارد. به گزارش ایسنا، انور قرقاش، وزیر مشاور امارات در امور خارجه، در یادداشتی در روزنامه واشنگتن‌پست نوشت: صرفاً جهت اطلاع، امارات و دیگر اعضای ائتلاف عربی، یمن را ترک نمی‌کنند، او تأکید کرد: «به صورت متفاوتی کار خواهیم کرد و حضور نظامی ما در یمن ادامه دارد. بر اساس قوانین بین‌المللی به ارائه مشورت و کمک به نیروهای محلی یعنی ادامه می‌دهیم». امارات اوایل ماه میلادی جاری اعلام کرده بود، به دلایل استراتژیکی و تاکتیکی، در چارچوب طرح «استقرار مجدد»، تعداد نیروهایش را در مناطق مختلف یمن کاهش می‌دهد. امارات هم‌پیمان اصلی ائتلاف نظامی عربی به رهبری عربستان است. این ائتلاف در حمایت از دولت مستعفی یمن برای مقابله با انصارالله و هم‌پیمانانش از مارس ۲۰۱۵ دست به عملیات نظامی می‌زند.

قرقاش افزود: پیروزی در آنجا آسان نبود و صلح نیز در آنجا آسان نخواهد بود، اما اکنون زمان تشدید تمرکز بر روند سیاسی است. یمن، فقیرترین کشور در شبه‌جزیره عربی از جوامع ۲۰۱۴ شاهد درگیری‌های خونین میان انصارالله و دولت مستعفی یمن است. این درگیری‌ها تاکنون به کشته‌شدن هزاران نفر منجر شده است که تعداد زیادی از آنها غیرنظامی هستند.